

بازنگری ترجمه «ما» در ده جزء اول قرآن کریم؛ مطالعه موردی:

ترجمه‌های فولادوند و قمشه‌ای

نجات عباسی^۱

فرشته بختیاری^۲

شهناز نبی‌لو^۳

چکیده

یکی از چالش‌هایی که مترجمان قرآن با آن روبرو هستند، ترجمه صحیح بعضی از الفاظ چندمعنایی قرآن مانند «ما» است که به خاطر تنوع و شباهت کاربرد باعث شده که مترجمان بر اساس عقیده شخصی خود عمل کنند و ترجمه‌هایی را با اشتباهات و دشواری فهم ارائه دهند. در این پژوهش که بر اساس بحث توصیفی-تحلیلی می‌باشد، تلاش شده که ضمن توضیح و تبیین حرف «ما» در قرآن کریم، به بازنگری ترجمه‌های آقایان قمشه‌ای و فولادوند صورت گیرد و ترجمه‌های اصلاحی و پیشنهادی برای آن ارائه گردد. لذا با توجه به سخنان بزرگان و اختلافاتی که بر نوعیت «ما» وجود داشت با ارجحیت و اتفاق نظر آراء به نقد در ترجمه‌های دو بزرگوار وارد شده و تفاوت‌های معنایی آن ذکر گردیده است.

کلید واژه‌ها: ترجمه قرآن، انواع «ما»، فولادوند، قمشه‌ای

۱- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عرب، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات nejatabbasi13@gmail.com

۲- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عرب، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات

۳- دانشجوی دکتری الهیات، دانشگاه آزاد واحد تهران شمال

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۴/۱۸ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۵/۱۲

مقدمه

ترجمه قرآن کریم از دیر باز مورد توجه بزرگان و علمای اسلامی می باشد که تلاش بر آن بوده که تا حد امکان بدون بوجود آمدن هر گونه خدش و تغییری در معنای اصلی قرآن کریم به فارسی برگردانده شود تا فهم آن برای عموم آسانتر گردد.

حروف نقش بسیار مهمی را در ترجمه ایفا می کنند و بدلیل وسعت این حروف در زبان عربی باید معادل های صحیحی را با توجه به معنای جملات برای آنان اختیار کرد. از جمله این الفاظ، حرف «ما» که شامل: مای موصوله، مای نافی، مای استنهایه، مای کافه و... است، که به دلیل تنوع و کاربرد فراوان آن حرف در قرآن کریم، اکثر مترجمان به عقیده شخصی خود عمل نموده اند، لذا این عقاید شخصی و اشتباهات ترجمه ای فهم قرآن کریم را با دشواری روبه رو نموده است.

ترجمه آقایان «الهی قمشه ای» و «فولادوند» در جزئیات، فرعیات، مفردات، ترکیبات و مسائل صناعی و فنی، کمبودهایی داشته است. همانطور که پیامبر عظیم الشان اسلام حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی (ص) فرمود: «ما آمن بی من فسّر برایه کلامی» هر کس کلام من را با رای خود تفسیر کند، به من ایمان نیاورده است. البته کلام حضرت شامل افرادی که سهواً چنین کاری می کنند نمی شود.

شایان ذکر است که این اشتباهات در ترجمه به طور عمد و از روی غرض و تمایلات شخصی، فرقه ای و مذهبی رخ نداده است. بلکه مترجمان عزیز سهواً مرتکب این اشتباه شده اند. از سخن پیامبر گرامی فهمیده می شود که در ترجمه و به طریق اولی در تفسیر قرآن باید نهایت دقت و باریک بینی بکار گرفته شود. در این مقاله و پژوهش سعی شده است که بصورت تحلیلی - توصیفی به این مهم به لحاظ حساسیتی که در آن وجود دارد پرداخته شود. براساس تحقیقاتی که صورت گرفته تا کنون بحثی با این تمرکز انجام نگرفته است.

بازنگری ترجمه «ما» دره جزء اول قرآن کریم... ۱۰۵۱۱۱

هدف از این بحث علمی پر رنگ نمودن این خطاهای ترجمه‌ای خصوصاً در ترجمه قرآن کریم است، که شاهد کاهش هر چه بیشتر خطاهای ترجمه‌ای در آینده باشیم.

معرفی دو ترجمه قرآن کریم

فرزانگان شیعه با توضیح و تبیین حقایق قرآن کریم کمک شایانی به رشد جامعه نموده اند آنان مصداق این فرمایش حضرت امام صادق (ع) هستند که فرمود: «رَحِمَ اللهُ قَوْمًا كَانُوا سِرَاجًا وَ مَنَارًا كَانُوا دُعَاةً إِلَيْنَا بِأَعْمَالِهِمْ وَ مَجْهُودٍ طَاقَتِهِمْ»

خداوند رحمت خویش را شامل حال افرادی نماید که چون چراغ فروزان و مشعل منور راه دیگران را روشن ساختند و با کردار خویش مردمان را به طریق ما فرا خواندند و با تمامی توان حق را معرفی کردند. یکی از علمای بزرگ شیعه محمد مهدی الهی قمشه‌ای است که به ترجمه قرآن کریم پرداخت ایشان در سال ۱۳۱۹ هجری قمری، در شهر قمشه از توابع شهرضا واقع در استان اصفهان دیده به جهان گشود، نیاکان او از سادات بحرین و از حافظان بزرگ بودند. از آنجا که در شعر به «الهی» تخلص می‌کرد به «الهی قمشه‌ای» ملقب شد. مرحوم آیت الله الهی قمشه‌ای در تفسیر و ترجمه قرآن کریم در عصر ما شخصیتی شاخص و ممتاز است ایشان اولین کسی است که قرآن را به فارسی ترجمه نمودند. (محمد رضا و محمد حکیمی، ۱/ ۲۹۸). نخستین چاپ ترجمه‌ی ایشان در سال ۱۳۲۶ شمسی انجام گرفت. نقدهای زیادی به این ترجمه نوشته شده از جمله شادروان ابوالقاسم پاینده که ۵ ایراد را بیان نموده اند که به حق این ایرادات وارد است.

بعد از ایشان آقای دکتر سید عبدالوهاب طالقانی در نشریه کیهان اندیشه، ایرادات دهگانه‌ای را بر آن گرفتند، که باز همه ایرادات به جا و به حق بوده است و سومین ایراد را جناب آقای بهاء الدین خرمشاهی در نشریه وقف میراث جاودان، است را بر ترجمه آقای الهی قمشه‌ای وارد آورد و در آن به ۲۵ نکته و ایراد اشاره نمود و نقد چهارم به قلم آقای دکتر

احمد احمدی با عنوان «ضرورت، ترجمه ی آکادمیک از قرآن کریم» در نشریه بینات، منتشر شد.

ایشان در نشریه خود آورده است. «ترجمه این نیک مرد دانشمند، خطاهایی دارد که ترجمه را نیازمند اصلاحی چشمگیر می سازد و جا دارد فرزند دانشمند ایشان استاد دکتر حسین الهی قمشه ای به این مهم پردازند، و آن را از آغاز تا پایان به دقت بنگرند و اصلاح کنند.» نقد پنجم را بهاء الدین خرمشاهی، به طور مفصل به چاپ رساندند که در چاپ اول به ۱۱۰ نکته ی انتقادی بر بیست جزء اول اشاره کردند. در این مقاله نیز سعی شده است تا ایرادات ترجمه ی آقای الهی قمشه ای مورد بررسی قرار گیرد. از دیگر علمای بزرگ و فرزانه در زمینه ترجمه و تفسیر قرآن آقای محمدمهدی فولادوند است. ایشان در سال ۱۲۹۹ شمسی در شهر اراک دیده به جهان گشودند. این ترجمه اثری نیکو و روان دارد و بیشترین امتیاز آن مطابق بودن با متن آیات است. در این ترجمه ی گویا و روان و معادل یابی کلمات قرآن نهایت تلاش صورت گرفته شده است.

اما با این حال نقدهایی بر آن وارد شده و ایرادات آن در مجلات به چاپ رسیده است. تمام هدف و انگیزه از نقد بر ترجمه زدودن کاستی از ساحت آن است.

تبیین انواع «ما»

«مای موصولیه»

«مای موصول» حرفی است عام که هم برای ذات انسان و هم غیرانسان به کار می رود و معمولاً جایگزین حرف «من» است، زمانی که برای عاقل و جاندار استفاده می گردد. مانند: «فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِالذِّينِ» که در معنای «فَمَا يُكَذِّبُكَ» نیز به کار می رود. زیرا «كذب» صفتی است خاص انسان که دارای عقل و شعور است. (مُبرِد، بی تا، ۴۴ و ۴۲). همچنین برای مفرد، مثنی، جمع، مذکر و مونث به کار گرفته می شود.

«مای شرطیه»

بازنگری ترجمه «ما» در ده جزء اول قرآن کریم... ۱۰۲۱۱۱

مای شرطی، اسم شرط است که مجذوم کننده و جازم است و به فعل شرط و جواب شرط نیاز دارد و اگر به صورت مبتدا بیان گردد فعل بعد از آن ناقص خواهد آمد. مانند: «**مایکن**

قیحاً فاجتنبه»

و گاهی ممکن است بعد از آن من به صورت لازم به کار رود، مانند: «**مایات به القدر فلامفر منه**» و یا حتی ممکن است فعل به صورت متعدی استعمال گردد، که در تمام این صور، خبر فعل شرط، جواب شرط، یا شرط و جواب باهم خواهد بود (امیل بدیع یعقوب، ۱۴۳۱، ۵۹۳ و ۵۹۲). بعضی از نحوین فقط فعل شرط را خبر می دانند ولی اکثر علماء فعل شرط و جواب شرط را باهم خبر در نظر می گیرند.

« **مای نافیه** »

مای نفی دو نوع است:

الف) مای نفی غیرعامل: که فعل مضارع را منفی می کند مانند: ماخرج: خارج نشد.

ب) مای نفی شبیه به لیس: که دارای دو شرط است و با این دو شرط می تواند عمل کند که مبتدا را مرفوع و خبر را منصوب می سازد، در این حالت خبر آن نباید مقدم شود و نباید با « **إن** » همراه گردد. مانند: «**..... و ما الله بغافل عما تعلمون**» (البقره، ۷۴) «خداوند از آنچه می دانید غافل نیست.»

تفاوت «لای» نافیه با «مای» نافیه در این است که: «مای» نفی صدارت طلب است و اجازه عمل به عامل قبل از فعل را نمی دهد اما «لا» اینگونه نیست و این اجازه را می دهد و زمانی که «لای» نافیه بر سر فعل مضارع می آید معنای مشترک بین زمان حال و آینده را می دهد، در حالیکه مای نافیه اینگونه نیست. (صفایی، ۱۳۸۷، ۹۷)

مای استفهام

مای استفهام در معنای «چه چیز؟» یا «چند؟» می آید. مانند: ما هذا؟ این چیست؟ ما عندك؟ چه داری؟

نقد ترجمه ها

در آیه ۱۱۱ سوره هود خداوند می فرماید: «وَإِنَّ كَلِمًا لَيُؤْفِقِينَ رَبَّكَ أَعْمَالَهُمْ» در این آیه مای موصول، خبر این است، «وَلَيُؤْفِقِينَ» جواب قسم است که محذوف است، جمله قسم، جواب صله «ما» است که در تقدیر گرفته شده است. نتیجه می گیریم که جمله فوق به این صورت صحیح است، وان کلاً للذین واللّه لیوفینهم (جر جاوی، ۲۰۰۰، ۱/۳۲۶). در ترجمه این آیه آقای الهی قمشه ای آورده است: «و محققاً پروردگار تو همه خلق را به جزای همه اعمالشان می رساند» و آقای فولادوند همین آیه را اینگونه ترجمه نموده اند که: «و قطعاً پروردگارت [نتیجه] اعمال هر یک را تمام [و کمال] به آنان خواهد داد». با دقت نظر و باریک بینی در دو ترجمه فوق، متوجه می شویم که «مای موصول» در آنها مورد توجه قرار نگرفته و جمله صله در آنها ترجمه نشده است.

در آیه ۵۹ سوره نحل خداوند می فرماید: «..... ساء ما یحکمون» که ما «مای موصول» و «یحکمون» صله یا تمیز است، به معنای شیء (چیز) و «یحکمون» صفت آن و مخصوص ذم محذوف می باشد که در تقدیر گرفته می شود و می گوئیم «أی حکمهم» (عبد الخالق عضیمه، بی تا، ۱۰ / ۳۷۰). در تفسیر کشاف، زمخشری «ما» را مای موصوله گرفته است و آنرا در معنای «الذی» به کار برده است (زمخشری، ۱۴۰۷، ۲ / ۶۱۳).

آقای فولادوند در ترجمه آیه آورده است: «..... وه چه بد داوری می کنند» و آقای الهی قمشه ای آورده است: «..... آنها بسیار بد حکم می کنند». با توجه به تفسیر کشاف و نظر علمای عظام، هر دو مترجم «ما» را مای زائده گرفته اند و در ترجمه آنرا به کار نبسته اند، در حالیکه باید گفته می شد: «وچه بد آنچه را که حکم (داوری) می کنند». در سوره بقره آیه ۹۳ خداوند می فرماید: «..... بئسما یا مرکم به ایمانکم ان کنتم مومنین» در این آیه «ما» مای موصوله است که در معنای الذی بکار رفته است و آنرا در تقدیر گرفته اند و گفته شده است: «بئسما الذین یحکمون حکمهم» که حکم هم رفع است و مبتدا که ماقبل

بازنگری ترجمه «ما» در ده جزء اول قرآن کریم... ۱۰۹۱۱۱

از آن خبر به دلیل دلالت یحکمون بر آن حذف نشده است. البته جایز است که ما را هم تمیز بگیریم و تقدیرش را اینگونه بیان کنیم: «ساء حکماً حکمهم». با این حال نمی توانیم در اینجا «یحکمون» را صفت برای «ما» بگیریم. چون غرض در آن مبهم است، اما قرینه ای در کلام وجود دارد که بر «ما» دلالت دارد ولیکن حذف شده است. (عبد الخالق عضیمه، ۱۰/۳۶۸).

در تفسیر ابن عطیه آمده است: «بئس هذه الاشياء التي فعلتم وامرکم» که ما را «مای» موصوله گرفته است. (ابن عطیه، ۱/۱۴۲۲، ۱۸۰) با توجه به اتفاق نظر مفسرین، «ما» در این آیه، مای موصوله است. آقای قمشه ای در ترجمه این آیه آورده است: «شما را به کار بد و کار زشت می گمارد» و آقای فولادوند آورده اند: «شما را به بد چیزی وا می دارد» که دیده می شود آقای فولادوند «ما» را به طور صحیح ترجمه نموده اند ولی آقای قمشه ای «ما» را در ترجمه ذکر نکرده اند. بعضی از نحویون فقط فعل شرط را خبر می دانند ولی اکثر علماء فعل شرط و جواب شرط را باهم خبر در نظر می گیرند.

در سوره آل عمران آیه ۸۱ خداوند می فرماید: «وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ» در خصوص ترجمه حرف «لما» دو نظریه مطرح شده است الف) زمانی که لما با فتحه و یا ب) با کسره همراه شود. الف) اگر با فتحه همراه گردد (لما).

لام، لام ابتدا و «ماء» موصول خواهد بود و معنای آن به این صورت در تقدیر گرفته می شود، «للذی آتیکموه و جاء کم رسول.....» ب) اگر با کسره همراه گردد. (لما)

«ما» به صورت شرطیه است که «آتیکم» فعل شرط و مجذوم است و جاء کم نیز به تبعیت از آن مجذوم و جزم می گردد. حال اگر حالت دوم را لحاظ کنیم و «ما» را مای شرط بدانیم، اسم شرط «ظرف» نخواهد بود، مگر اینکه جواب آن ضمیر باشد که چنین چیزی امکان

پذیر نیست. این عمل شاذ بوده، لذا ارجح آن است که «ما» در اینجا موصوله گرفته شود. (ابن هشام، ۱۹۳۸، ۳۹) در ترجمه آقای فولادوند آمده است؛ «هرگاه به شما کتاب و حکمتی دادم....» و در ترجمه آقای قمشه ای آمده است؛ «چون به شما کتاب و حکمت بخشیدم....» در هر دو ترجمه «ما» به صورت شرط آمده که از نظر علما مردود است و باید به صورت موصولی ترجمه گردد. خداوند در سوره بقره آیه ۱۰۶ می فرماید: «**ما ننسخ** **من آیه**.....» در این آیه «ما» مای شرطیه است بخاطر همین فعل ما بعد خود را مجذوم کرده است. نقش «ما» در جمله مفعول به است برای فعل ننسخ که محلاً منصوب می باشد و محل آن همانند «ما» در آیه «ایاماً تدعوا» است و با توجه به اینکه «ما» مای شرط است آنرا اینگونه در تقدیر می گیریم.

«ای شیء ننسخ» پس صحیح نیست که بگوئیم «ای آیه ننسخ» زیرا جمله [ما ننسخ] را نمی توانیم با جمله [من آیه] جمع کنیم و در یک جمله واحد آنرا بیاوریم. پس نتیجه می گیریم که احتمال اینکه این «ما» مای موصول باشد رد شده است. آقای الهی قمشه ای در ترجمه آیه فوق آورده اند: «هر چه از آیات قرآن را نسخ کنیم...» و آقای فولادوند گفته اند: «هر حکمی را نسخ کنیم.....». که هر دو ترجمه اشتباه است زیرا هر دو جمله باهم جمع بسته شده اند و ما به صورت موصول ترجمه شده است. (مجاهد البغدادی، ۱۴۰۰، ۱۶۸) در سوره هود آیه ۶ خداوند می فرماید: «**وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا**» در این آیه «ما» مای نافی است و «من» بیانیه و «دابه» اسم نکره است. براساس قواعد تفسیری اگر اسم نکره باشد و حرف «من» قبل از آن ذکر گردد و جمله با مای نفی مسبوق باشد، در مفهوم افاده عموم می کند و برای ترجمه آن باید از کلمه ی «کل» به معنای همه استفاده گردد. (الصافی، ۱۴۱۸، ۱۳۶/۷)

آقای فولادوند این آیه را اینگونه ترجمه نموده اند: «هیچ جنبنده ای نیست مگر اینکه روزیش به عهده خداست» و آقای الهی قمشه ای در ترجمه همین آیه گفته اند: «هیچ

بازنگری ترجمه «ما» دره جزء اول قرآن کریم... ۱۱۱۱۱۱

جنبنده ای در زمین نیست مگر اینکه روزیش بر خداست». و نیز در سوره هود آیه ۵۳ خداوند می فرماید: «**ما نحن لك بمومنین**». «ما» در این آیه شبیه به لیس معنا می شود، یعنی نفی در زمان حاضر. آقای الهی قمشه ای «ما» را به زمان آینده ترجمه نموده اند و در ترجمه از کلمه «هرگز» استفاده کرده اند در حالیکه در زبان عربی برای کلمه «هرگز» از لن استفاده می شود. ایشان در ترجمه ی آیه فوق گفته اند: «ما هرگز به تو ایمان نخواهم آورد». و آقای فولادوند گفته اند: «تو را باور نداریم». (عبدالرحیم مافی، ۱۴۱۸، ۲۹۱/۱۲). همچنین خداوند در سوره انعام آیه ۱۱۹ می فرماید: «**وَمَا لَكُمْ أَلَّا تَأْكُلُوا مِمَّا**

ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ

- «چرا از آنچه نام خدا بر آن ذکر نشده نمی خورید؟ و بر خود حرام کرده اید»

- «چرا از نعمتهای خدا به نام خدا استفاده نمی کنید؟»

- «شما را چه شده که از آنچه نام خدا بر آن برده نشده است نمی خورید؟»

در ترجمه این آیه آقای فولادوند، «ما» ی استفهام را بکار گرفته و گفته: «شما را چه شده است» که ترجمه درستی نیست و آقای الهی قمشه ای، آنرا خبری ترجمه کرده اند و گفته اند: نعمتهای خدا را با نام و یاد خدا ذبح کنید و بخورید. (یعنی به صورت شرعی آنها را استفاده کنید). در سوره انعام آیه ۳۲ خداوند می فرماید: «**مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ**» در این آیه معنای تأکید در سیاق کلام جریان دارد یعنی حیات دنیا فقط لهو و بازیچه است و لهو و لعب برای حیات دنیا اثبات شده است و گویا هر چه غیر از آن است حیات و زندگی دنیا نیست، به همین دلیل تأکید، الا بعد از مای نافیه وارد شده است. آقای قمشه ای در ترجمه این آیه بیان داشته اند که: «این زندگانی چند روزه دنیا اگر نه در پرستش حق و سعادت آخرت صرف شود افسوس بازیچه ای بیش نیست». آقای فولادوند گفته اند، این زندگی زیبا جز سرگرمی و بازیچه نیست. حائز اهمیت است در ترجمه آقایان تأکید هیچ نقشی ندارد و قواعد تأکید در آنها رعایت نشده است. در سوره الطور آیه ۸

خداوند می فرماید: «**ما له من دافع**» که آقای فولادوند آنرا اینگونه ترجمه نموده اند: «آن را هیچ بازدارنده ای نیست» و آقای قمشه ای گفته اند: «هیچ کس دافع آن نخواهد بود». در این آیه «ما» به معنای «لیس» است و مترجمین محترم آن را به آینده ترجمه نموده اند، در حالیکه معنای لیس را می رساند، از آنجایی که لیس از افعال ناقصه و شبیه فعل است و معنای تغییر را می رساند، در اینجا جمله را از اصلش که اثبات است، تغییر داده است. در آیه فوق معنای قسم و تأکید وجود دارد که هیچ یک از مترجمین قسم و تأکید را که عذاب حتمی واقع می شود را مراعات نکرده اند و آنرا در ترجمه لحاظ ننموده اند. یعنی در اصل، جمله اینگونه بوده است «ان عذاب ربك لواقع». (خطیب الری، ۱۴۲۰، ۱/ ۲۴۵) همچنین در سوره الزخرف آیات ۱۴ و ۱۳ خداوند می فرماید: «**هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ**» آقای قمشه ای در ترجمه این آیه بیان داشته اند: «وگرنه ما هرگز قادر بر آن نبودیم». و آقای فولادوند گفته اند: «وگرنه ما را یارای رام ساختن آنها نبود». در این آیه نیز حرف «ما» دارای معنای ضمنی قسم است و از تأکید برخوردار است. ملاحظه می شود که آقای قمشه ای «ما» را در معنای «هرگز» بکار برده اند و آقای فولادوند معنای تأکید را در جمله بکار نگرفته اند. (الغرناطی، بی تا، ۳۷۵/۲) خداوند در سوره الذاریات آیه ۵۶ می فرماید: «**وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ**...» در این آیه «ما» نافی به همراه الا آمده که در زبان عرب افاده حصر و قصر می کند. پس معنای آن می شود: «همانا من خلق کردم جن و انس را برای یک هدف و آن عبادت است». که در قصر علت خلق وجود دارد. آقای فولادوند آنرا اینگونه ترجمه نموده اند: «و جن و انس را نیافریدم جز برای آنکه مرا پرستند» و آقای قمشه ای گفته اند: «من جن و انس را نیافریدم مگر برای اینکه مرا به یکتایی پرستند». با دقت نظر در آیه ی فوق، قابل ذکر است که اسلوب حصر و قصر در آن وجود دارد که در قصر علت خلقت بیان شده است. برای ترجمه ی اسلوب حصر و قصر، حتماً باید از کلمات تأکیدی همچون قطعاً، فقط، تنها و غیره شود. (آل شیخ،

بازنگری ترجمه «ما» دره جزء اول قرآن کریم... ۱۱۳۱۱۱

۲۰۰۳، ۱/ ۲۴۵) اما متأسفانه دو مترجم بزرگوار در ترجمه شان این تأکید را نشان نداده اند. مای نافیه هرگاه به همراه الایباید، از قوی ترین کلمات تأکید و قصر است پس باید گفته می شد: همانا من خلق کردم جن و انس را برای یک هدف.

در سوره غافر آیه ۴ خداوند می فرماید: «**مَا يُجَادِلُ فِي آيَاتِ اللَّهِ إِلَّا الَّذِينَ كَفَرُوا**» در این آیه نیز اسلوب قصر به همراه «مای نافیه» و الا استفهامیه بکار رفته است. (صافی، ۱۴۱۸، ۲۴/ ۲۲۰) که مترجمین عزیز آقایان فولادوند و قمشه ای از آن اسلوب استفاده نکرده اند. آقای فولادوند گفته اند: «جز آنهایی که کفر ورزیدند کسی در آیات خدا ستیز نمی کنند» آقای قمشه ای آورده اند: «(بدان ای رسول) در آیات خدا کسی به انکار و جدل جز مردم کافر برنخیزد»

همچنین خداوند در سوره توبه آیه ۱۱۳ می فرماید: «**مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ**» در این آیه: «ما» مای نافیه است، برکان، وارد شده و خبرش به لام جهود مقرون شده به همین دلیل دارای معنای تبرئه و تنزیه است، یعنی خداوند پیامبرش را پاک و مبرا می داند. آقای الهی قمشه ای در ترجمه این آیه گفته اند: «پیغمبر و گرویدگان به او نباید برای مشرکان هر چند خویشاوندان آن ها باشند از خدا آمرزش طلبند بعد از آنکه آنها را اهل دوزخ شناختند» آقای فولادوند اینگونه ترجمه نموده اند که: «پیامبر و کسانی که ایمان آورده اند سزاوار نیست که برای مشرکان پس از آنکه برایشان آشکار گردید که آنان اهل دوزخ هستند طلب آمرزش کنند هر چند خویشاوندان آنها باشند».

با توجه به آیه فوق، «ما» در اینجا در جایگاه ثبوت و تنزیه پیامبر (ص) و کسانی که ایمان آورده اند به کار رفته و لذا ترجمه صحیح آن «سزاوار و شایسته نیست» درست می باشد که آقای قمشه ای آن را نهی غایب ترجمه کرده اند اما آقای فولادوند مراعات بلاغت و اسلوب ثبوت و تنزیه و عدم الوقوع را کرده است و از کلمه سزاوار نیست استفاده نموده اند (المطرفی، ۲۰۰۵، ۲۴۵) و در سوره ابراهیم آیه ۱۲ آقای قمشه ای حرف «ما» را به معنای

استفهام ترجمه نموده اند در صورتی که ما معنای نفی را می‌رساند. «وَمَا لَنَا أَنْ نَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا» چرا ما بر خدا توکل نکنیم. در آیه ۸۱ سوره یونس خداوند می‌فرماید: «مَا جِئْتُمْ بِهِ السِّحْرُ» به بیان برخی از علمای علم نحو حرف «ما» در معنای استفهام بکار رفته است، «ای شیء جتتم به» و به عقیده برخی دیگر «ما» ی موصوله به معنای «الذی جتتم به» آمده است. (ابی شامه، بی تا، ۵۰۹) آقای فولادوند این آیه را اینگونه ترجمه نموده اند: موسی گفت: «آنچه را شما به میان آوردید سحر است» یعنی به صورت موصولی ترجمه شده است. و در ترجمه آقای الهی قمشه ای آمده است، «آنگاه که ساحران بساط جادو انداختند موسی گفت: سحر شما را باطل خواهد کرد» قابل توجه است که در ترجمه آقای قمشه ای جمله «ما جتتم به السحر» اصلاً ترجمه نشده است.

در سوره صافات آیه ۱۶۱ حضرت باری تعالی می‌فرماید: «فانکم و ما تبعدون» در این آیه «واو» و «ما» مای موصول است و «ما» مای موصول است، (سینکی، ۲۰۰۰، ۴۶۵) آقای فولادوند آیه را چنین ترجمه نموده اند: «شما و معبودانتان» که «ما» اصلاً ترجمه نشده در حالیکه اگر «ما» را لحاظ می‌نمودند باید می‌گفتند: «شما و آنچه را که می‌پرستید».

نتایج مقاله

در خاتمه شایان ذکر است حروف نقش بسیار مهمی را در ترجمه ایفا می‌کنند به جهت اینکه قرآن جایگاه ویژه و سامی در بین مسلمانان دارد، در ترجمه آیات نهایت دقت و ظرافت باید صورت پذیرد. با تسلط یک مترجم بر زبان مبدا و زبان مقصد می‌توان به نحو صحیح این ترجمه را بازگرداند بصورتی که برای خواننده قابل فهم و ملموس باشد. با همت بلند فقها مفسرین و مترجمین قرآن کریم در حوزه ترجمه در آینده ان شاء الله شاهد اشتباهات و ایرادات ترجمه ای نباشیم.

بازنگری ترجمه «ما» دره جزء اول قرآن کریم... ۱۱۵۱۱۱

کتابشناسی

القران الکریم

- البغدادی، أبو بکر بن مجاهد. (۱۴۰۰هـ). کتاب السبعة فی القراءات، مصر: دار المعارف.
- ابن هشام، عبدالله بن یوسف. (۱۹۸۳م). اسئله و اجوبه فی اعراب القران، المدینه المنوره: عماده البحث العلمی.
- أبو القاسم محمود بن عمرو بن أحمد، الزمخشري. (۱۴۰۷هـ). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دار الکتب العربی، ط ۳.
- ابی شامه، ابوالقاسم شهاب الدین. (بی تا). ابرز المعانی من حرز الامانی، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- الجرجاوی، خالد بن عبدالله. (۲۰۰۰م). شرح التصريح بمضمون التوضیح فی النحو، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- السنینکی، زین الدین. (۲۰۰۱م). اعراب القران الکریم.
- صافی، محمود بن عبد الرحیم. (۱۴۱۸هـ). الجدول فی اعراب القرآن الکریم، دمشق: دار الرشید.
- صفایی بوستری، غلام علی. (۱۳۸۷). ترجمه و شرح معنی الادیب، قم: قدس، چ ۸.
- الغرناطی، احمد بن ابراهیم. (بی تا). ملائک التاویل القاطع بذوی الالحاد و التعطیل، لبنان: دار الکتب العلمیه.
- المبرد، محمد بن یزید الازدی. (۲۰۰۱م). المقتضب، بیروت: عالم الکتب.
- المحاریبی، أبو محمد عبد الحق بن غالب بن عبد الرحمن بن تمام بن عطیة الأندلسی. (۱۴۲۲هـ). المحرر الوجیز فی تفسیر الکتب العزیز، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- المطرفی، عوید بن عاید. (۲۰۰۵م). آیات عتاب المصطفی، مکه المکرمه: کلیه الشریعه و الدراسات الاسلامیه.
- محمد عبد الخالق عظیمه. بی تا، دراسات لأسلوب القرآن الکریم، القاهره: دار الحدیث.